



آرتتا و آرسنال

۵ گام تا رستگاری



ترجمه: نوید صراف

Navid Saraf

حالا بیش از ۳ هفته از انتصاب «میکل آرتتا» به عنوان سرمربی جدید تیم فوتبال آرسنال گذشته است. خبری که انتشار آن واکنش‌های بسیاری همراه داشت؛ طبق معمول افرادی با این تصمیم موافق و گروهی دیگر مخالفش بودند. موافقان با این تصمیم، آرتتا را به عنوان ورژن جدید «پپ گواردیولا» معرفی می‌کنند و معتقد هستند میکل پس از آموزش درس‌های لازم در کنار یکی از بهترین سرمربیان تاریخ جهان فوتبال، آماده شده تا فعالیت خود به عنوان نفر نخست را آغاز کند اما برخی دیگر اعتقاد دارند انتخاب او که هیچ تجربه‌ای در سرمربیگری ندارد به عنوان سرمربی جدید توپچی‌های لندن، تصمیم مناسب در این مقطع زمانی نبود. حتی یکی از روزنامه‌های انگلیسی این خبر را با تیتیر «شتباه بزرگ» منتشر کرد و روزنامه دیگری از آن با عنوان «قماری بزرگ» روی جلد برد.

بگذارید صریح باشیم؛ اگر بخواهیم آرتتا را به خاطر همکاری با گواردیولا یک انتخاب خوب معرفی کنیم، قطعاً در اشتباه هستیم و اگر بخواهیم انتخاب او را با توجه به عدم داشتن تجربه لازم یک اشتباه بخوانیم، باز هم خطا رفته‌ایم چرا که در گذشته مربیانی مانند همین گواردیولا بدون داشتن تجربه لازم توانستند در تیم‌های بزرگ به موفقیت و قهرمانی برسند و بسیاری نیز با وجود حضور در کنار مربیان نامی، حالا جز خانه‌نشینی و حضور در چند برنامه به عنوان کارشناس، کار دیگری ندارند.

در واقع قضاوت آرتتا باید بر اساس عملکرد او به عنوان سرمربی باشد. اگرچه زمان زیادی از آغاز فعالیت او به عنوان سرمربی آرسنال سپری نشده اما همین چند دیداری هم که تاکنون از تیم تحت رهبری‌اش تماشا کرده‌ایم، می‌تواند ما را متوجه تغییراتی کند که سرمربی اسپانیایی قصد اعمال آنها را در «امارات» دارد. در همین مدت زمان کوتاه، نشانه‌هایی از آنچه که میکل از تیمش درون زمین می‌خواهد پیداست و در این لیست می‌توانیم به پنج گام نخست‌ی که او برای بازگرداندن آرسنال به بالای جدول انگلیس برداشته، نگاهی بیندازیم:

۱ استراتژی مشخص هنگام مالکیت توپ

آرتتا در تمام مسابقاتی که هدایت آرسنال را بر عهده داشته این تیم را با سیستم ۳-۳-۴ به میدان فرستاده است. این موضوع زمانی قابل توجه می‌شود که بدانیم توپچی‌های لندن در ۱۸ ماه اخیر چنین ثباتی را کم داشتند. در واقع «اونای امری» عادت داشت که همواره ترکیب خود را دستخوش تغییرات گسترده کند و جالب‌تر آنکه تغییرات او بازی به بازی صورت نمی‌گرفت و گاهی هر نیمه با ترکیبی متفاوت به میدان می‌رفت. البته اینکه از لحاظ تاکتیکی میل به تغییر داشته باشیم اتفاقی منفی نیست اما او در این مسأله زیاده‌روی می‌کرد و به همین دلیل بازیکنان دچار سردرگمی شده بودند و نمی‌دانستند که در چه پستی باید به ایفای نقش بپردازند. اگر آرسنال دیداری را با پیروزی پشت سر می‌گذاشت به این دلیل بود که کیفیت فردی بازیکنان این تیم نسبت به حریف بهتر بود، نه تاکتیک و سیستم مورد نظر اونای.

آرتتا اما نقطه مقابل امری است؛ تاکنون نقش تمام بازیکنان در تیم تحت رهبری او مشخص بوده و بازیکنان در زمین تمرین به خوبی درباره پست و نقش‌شان تفهیم شده‌اند. ضمن اینکه میکل در تیمش بخشی از شیوه بازی تیم گواردیولا را پیاده می‌کند؛ یکی از مدافعان کناری تیم - برای مثال کولاشیناچ یا ساکا - به دل حریف می‌زند و در زمین رقیب باقی می‌ماند و مدافع جناح دیگر به خط هافبک اضافه می‌شود تا تعادل ترکیب را حفظ کند. در همین حین که مدافع چپ تیم به خط حمله اضافه شده، «پیر امریک اوبامیانگ» نقش وینگر چپ را ایفا و مرتب به مرکز نفوذ می‌کند. در جناح دیگر نیز وینگر راست تیم در عرض می‌ماند تا تعادل در ترکیب تیم برهم نخورد. همزمان یک هافبک سمت چپ زمین را پوشش می‌دهد و «مسوت اوزیل» با اضافه شدن به سمت راست - در کنار توریرا و نایلز - مرکز زمین را در اختیار آرسنال قرار می‌دهند.

باید این نکته را ذکر کنیم که اگر آرتتا با چنین ترکیبی در آرسنال به موفقیت برسد حتماً نیاز به تغییر آن را نیز پیدا خواهد کرد؛ همانگونه که حالا گواردیولا در منچسترسیتی تغییراتی را اعمال کرده است. با این وجود او توانسته برای بازیکنانش وظایف مشخصی را تعیین و در سبک بازی تیمش ثبات ایجاد کند؛ اتفاقی که سال‌ها بود در امارات دیده نمی‌شد.

۲ استراتژی مشخص هنگام عدم مالکیت توپ

آرسنال در روزهای پایانی حضور امری با مشکلات بسیاری دست به گریبان بود اما شاید هشداردهنده‌ترین مشکل تیم به عقب زمین و خط دفاعی تیم برمی‌گشت؛ جایی که مدافعین تیم اشتباهات بسیاری از خود بروز می‌دادند و بسیار آسیب‌پذیر بودند. بخشی از این مشکلات را می‌توان به افراد نسبت داد؛ به عنوان مثال «هکتور بیرین» به تازگی از مصدومیتی بلندمدت بازگشته بود و طبیعتاً آمادگی پیش از دوران مصدومیت را نداشت. کیفیت دفاعی «داوید لوئیز» هم همواره زیر سؤال بوده. «سناد کولاشیناچ» نیز از حداکثر توان خود بهره نمی‌برد. در کنار اینها سطح «سوکرائیس پاستوپولوس» نیز به طرز غیرقابل باوری افت داشت.

با تمام این اوصاف مشکل اصلی توپچی‌های لندن نه فردی بلکه تیمی بود؛ جایی که به نظر خط هافبک تیم آرسنال اصلاً وجود نداشت و حریفان به راحتی می‌توانستند خود را به خط دفاعی و دروازه این تیم برسند. در عصر امری، «گرانیت ژاکا» و «متئو گوندوزی» هنگام ضدحملات سریع حریف، تمایلی به بازگشت از خود نشان نمی‌دادند. این دو درک این را نداشتند که چگونه حملات حریف را تخریب کنند یا حتی سرعت لازم را نداشتند که به حریف برسند. آنها حتی استراتژی مناسبی هم بلد نبودند که از وقوع چنین اتفاقاتی جلوگیری کنند.

تغییر این مسأله یکی از اقداماتی بود که آرتتا انجام داده است. حالا دفاع بدون توپ آرسنال نسبت به گذشته بسیار بهتر شده، خطوط حمله، میانی و دفاعی آرسنال به هم نزدیک‌تر بازی و با حرکت در هماهنگی با هم، عرصه

را برای حریف تنگ می‌کنند. توپچی‌ها حالا در خطاهایی که انجام می‌دهند هم باهوش عمل می‌کنند. آنها راه منچسترسیتی گواردیولا را در پیش گرفته‌اند و با خطاهایی کوچک شکل‌گیری حملات حریف را مختل می‌سازند. برای درک بهتر و دقیق‌تر تغییراتی که آرتتا در آرسنال ایجاد کرده به اوزیل نگاه کنید که حالا جنگنده‌تر از همیشه به بازیکنان حریف فشار می‌آورد و به دفاع تیمی یاری می‌رساند.

مقایسه تعداد دوئل‌هایی که بازیکنان آرسنال تحت هدایت آرتتا در آنها درگیر شده‌اند با آمار آنها زیر نظر امری و «فردی لیونبرگ»، به خوبی نشان می‌دهد که سرمربی اسپانیایی توانسته روحیه جنگندگی را به بازیکنان تیمش تزریق کند.

۳ اضافه کردن هوشمندانه مارتینلی به ترکیب

در ۴ دیدار نخست آرسنال تحت هدایت آرتتا، ۱۶ بازیکن متفاوت در ترکیب این تیم به میدان رفته‌اند. از این شانزده بازیکن، ۷ نفر بازیکنان تهاجمی بوده‌اند. ضمن اینکه «امیل اسمیت رو» و «تایریس جان جولز» هم در این مدت به فهرست توپچی‌ها اضافه شده‌اند و روی نیمکت نشسته‌اند. آرسنال مهره‌های متنوعی در خط حمله در اختیار دارد؛ از اوزیل گرفته تا «ریس نلسون». به همین دلیل نیز میکل می‌تواند چپش تیمش در هر دیدار را بر اساس حریف انتخاب کند.

با این حال اما ما هنوز هم عملکرد بهترین استعداد جوان حال حاضر آرسنال را زیر نظر آرتتا مشاهده نکرده‌ایم؛ «گابریل مارتینلی» که شاید بهترین استعداد حاضر در ترکیب توپچی‌ها باشد، به دلیل مصدومیت نتوانسته در تیم آرتتا به میدان برود ولی این مسأله نباید موجب نگرانی مهاجم جوان برزیلی شود. مارتینلی تابستان از کشور برزیل به آرسنال پیوست. او در نخستین فصل حضور در فوتبال اروپا توانایی‌های خود را نشان داد و با ۳۵۱ دقیقه بازی در لیگ اروپا توانست سه گل و دو پاس گل در کارنامه خود به ثبت برساند. او بخشی از توانایی‌های خود را در لیگ برتر انگلیس هم نشان داده و توانسته دروازه وستهم را باز و در دیدار برابر ساوتهمپتون به عنوان سازنده گل «الکساندر لاکازت» نام خود را در تاریخ ثبت کند. مارتینلی هرگاه که در میدان حاضر بوده نشان داده میل بالایی برای هجوم به سمت دروازه حریف دارد، هر بار که توپ را در دست می‌گیرد به دنبال گلزنی یا ساختن موقعیت گل است و قطعاً به مهره‌ای کلیدی در برنامه‌های تهاجمی آرسنال تبدیل خواهد شد.

آرتتا تا پایان سال ۲۰۲۰ باید تصمیم خود برای استفاده از گابریل را بگیرد؛ او باید مشخص کند که از مهاجم جوان برزیلی در کدام منطقه از زمین می‌خواهد بهره بگیرد و دشواری این تصمیم نیز در همین مسأله نهفته است. در حال حاضر چهار عنصر کلیدی هجومی تیم آرسنال اوزیل، لاکازت، اوبامیانگ و پدیه هستند و آرتتا برای فرصت دادن به مارتینلی باید یکی از این چهار بازیکن را از ترکیب تیم کنار بگذارد. حال باید دید کدام

بازیکن قربانی رسیدن فرصت بیشتر به مارتینلی خواهد شد؛ در حال حاضر با توجه به افت کیفی لاکازت بسیاری پیش‌بینی می‌کنند قرعه به نام مهاجم فرانسوی خواهد خورد.

۴ جذب یک مدافع وسط

آرسنال در زمستان به دنبال جذب یک مدافع میانی است؛ «دایوت اوپامکانو» مدافع میانی تیم لایپزیگ در صدر فهرست مدافعان مد نظر باشگاه آرسنال قرار دارد اما راضی کردن تیم آلمانی به فروش مدافع اصلی‌اش در زمستان کار آسانی نخواهد بود اما علاقه آرسنال به جذب یک مدافع میانی نشان می‌دهد که آرتتا به خوبی متوجه ضعف بزرگ تیم خود شده. لویییز در شب پیروزی ۲ بر صفر آرسنال برابر منچستر یونایتد نمایش فوق‌العاده‌ای در قلب خط دفاعی توپچی‌ها داشت. او در این دیدار مقتدر و مستحکم ظاهر شد و با آن تصور آسیب‌پذیر بودن که از او میان هواداران وجود دارد، فرسنگ‌ها فاصله داشت اما بسیاری بلافاصله اعلام کردند که داوید عادت دارد زیر نظر سرمربی جدید در ابتدا خوش بدرخشد و پس از مدتی به همان مدافع همیشگی و سر به هوا تبدیل خواهد شد. شاید سوکرائیس به فرم خوب خود بازگردد ولی تبدیل شدن لویییز ۳۲ ساله به یک مدافع قابل اطمینان در این سن و سال آن هم یک شبه، امری غیرممکن است. از طرفی با توجه به مصدومیت «کالوم چمبرز» از ناحیه رباط صلیبی و بازگشت «راب هولدینگ» پس از مصدومیتی طولانی‌مدت و عدم اعتماد به «شکودران موستافی» آرسنالی‌ها به جذب یک مدافع جدید نیاز مبرمی دارند.

۵ جذب یک هافبک دفاعی

از نیاز آرسنال به جذب یک مدافع میانی در زمستان صحبت کردیم ولی برخی بر این عقیده هستند که ضعف اصلی این تیم در پست هافبک دفاعی است و توپچی‌ها باید در این منطقه بازیکنی جذب کنند. ژاکا و توریرا تحت هدایت آرتتا نمایش‌های خوب و امیدوارکننده‌ای ارائه داده‌اند اما آرسنال مدتهاست که به یک هافبک تدافعی مستحکم و قابل اطمینان در میانه میدان نیاز دارد. در حقیقت آخرین هافبک دفاعی فوق‌العاده توپچی‌ها «گیلبرتو سیلوا» و «الکساندر سانگ» نبود. اگر باور کنیم که هدف آرسنال رسیدن به بالای جدول و رقابت با تیم‌هایی مانند لیورپول، منچستر سیتی و لسترسیتی است، باید بپذیریم که هافبک‌های تدافعی فعلی تیم کیفیت بازیکنانی همچون «فابینیو»، «فرناندینیو» و یا «ویلفرد اندیدی» را ندارند. آرسنال به چنین هافبک‌هایی در میانه میدان نیاز دارد؛ ستاره‌هایی که سرعت، قدرت بدنی و درک تاکتیکی بالایی داشته باشند و بتوانند در میانه میدان به توپچی‌ها کمک شایانی کنند. این همان چیزی است که آرتتا نیز به آن پی برده؛ لیست بازیکنان مد نظر او برای جذب در نقل‌وانتقالات زمستانی، گواهی بر این ادعا است.